

اعتصاب سیاسی سراسری روسیه

هواسنچ خبر از یک طوفان می دهد - این چیزی است که امروز در روزنامه‌های خارجی که حاوی تلگرافاتی دربارهٔ رشد عظیم **اعتصاب سیاسی سراسری روسیه** هستند، اظهار شده است. تنها هواسنچ نیست که خبر از وقوع طوفان می دهد: همه چیز را گردباد قدرتمند حملهٔ سخت پرولتاریا از جا کنده است. انقلاب با سرعتی حیرت آور به پیش می رود، حوادثی بسیار را با خود به همراه می آورد، و اگر که بخواهیم شرح مفصلی از سه یا چهار روز گذشته بدهیم، باید که کتابی کامل بنویسیم. ولی اینرا به عهدهٔ نسلهای آینده می گذاریم تا تاریخ مفصل بنویسند. ما شاهد صحنه‌های رعبه آوری از یکی از بزرگترین جنگهای داخلی، جنگهای آزادی هستیم که نوع بشر تا به حال بدان دست زده است و باید سریعتر گام برداریم تا تمام انرژی خود را به این جنگ تخصیص دهیم.

غرش طوفان شروع گشته - و اکنون سخنرانی ها، تصورات، حدسیات و نقشه‌های لیبرال و دمکراتیک راجع به دوما چه ناچیز به نظر می رسند، هم اکنون تمام بحثهای ما راجع به دوما چه کهنه گردیده‌اند - و این فقط در فاصلهٔ چند روز، چند ساعت اتفاق افتاده است! بعضی از ما شک داشتیم که پرولتاریای انقلابی به اندازهٔ کافی قوی باشد که نمایشات رسوائی را که به وسیلهٔ وزرای پلیس به اجراء گذاشته شده است خنثی کند، بعضی از ما می ترسیدیم که با شجاعت از تحریم کردن انتخابات سخن بگوئیم. اما آنطور که معلوم می شود، انتخابات هنوز در همه جا آغاز نشده است، و تاکنون یک حرکت دست کافی بوده است که تمام خانهٔ مقوائی را به لرزش در آورد. فقط یک حرکت دست کافی بوده است که نه تنها لیبرالها و قافلهٔ بزدل آسبوژدنیه را بلکه حتی آقای ویت رئیس حکومت «لیبرال» جدید تزاری را نیز مجبور سازد که صحبت (واقعاً، تاکنون فقط صحبت) از اصلاحاتی بکند که تمام نیرنگهای ماهرانهٔ مضحکهٔ بولیگین را از میان برخواهد داشت.

این دست که حرکت آن چنین بلوائی را در مسئلهٔ دوما بپا کرد، دست پرولتاریای روس است. یک سرود سوسیالیستی آلمانی چنین می گوید: «تمام چرخهای حرکت برجای می ایستند، اگر که بازوهای توانای تو چنان بخواهد.» اکنون این بازوی توانا بلند شده است. اشارات و پیش بینی های ما دربارهٔ اهمیت بی اندازهٔ اعتصاب سیاسی توده‌ای برای قیام مسلحانه بطور حیرت انگیزی تأیید شده است. **اعتصاب سیاسی سرتاسری روسیه** اینبار واقعاً تمام کشور را شامل شده است، و **تمام خلقهای سرتاسر «امپراطوری»** ملعون روسیه را در قیام قهرمانانهٔ یک طبقه که ستمدیده ترین و پیشرفته ترین طبقات است متحد گردانیده است. پرولتاریای تمام ملتهای این امپراطوری ستم و زور اکنون در ارتشی عظیم جمع گشته‌اند - ارتش آزادی و ارتش سوسیالیسم. مسکو و سن پترزبورگ مشترکاً افتخار پیشگامی انقلابی پرولتاریائی را دارند. هر دو پایتخت اعتصاب کرده‌اند. فنلاند اعتصاب می کند. استانهای بالتیک، در رأس آنها ریگا به جنبش پیوسته‌اند. لهستان قهرمان دوباره به صف اعتصاب کنندگان پیوسته است، چنانکه گوئی خشم عین دشمنان خود را که تصور می کردند می توانند با ضربه‌های خود او را در هم شکنند، ولی در عوض نیروهای انقلابی آنرا به هم هر چه نزدیکتر کرده‌اند استهزاء می کند. کریمه برپا می خیزد (سیمفروپل Simferopol) و همچنین جنوب. در یکاترینوسلاو سنگرها برپا شده است، و خونها ریخته شده. ناحیهٔ ولگا (ساراتف، سیمبریسک، نیژنی نوگورود) در اعتصاب است، و اعتصاب به ایالات کشاورزی مرکزی (ورونژ) و به مرکز صنعتی (یاروسلاو)

گسترش پیدا کرده است. یک هیئت نمایندگی بی ادعای اتحادیه کارگران راه آهن رهبری ارتشی از کارگران را که میلیونها نفر را با زبانهای مختلف دربر می گیرد در دست گرفته است. در صحنه‌ای که لیبرالها با گزافه گوئی و نطقهای خائفانه برای تزار کمذیهای سیاسی اجراء می کردند و سفیانه برای ویت می خندیدند و جنگ زرگری می کردند - در این صحنه ناگهان کارگران ظاهر می شوند و **اولتیماتوم** خود را به ویت، رئیس جدید حکومت «لیبرال» تزاری می دهند. هیئت نمایندگی کارگران راه آهن از به انتظار نشستن برای «انجمن شهر»* یعنی دومای دولتی امتناع ورزیدند. هیئت نمایندگان کارگران حتی به این نمایش پهلوان پنبه آنقدر اهمیت نداد که وقت گرانبهای خود را صرف «انتقاد» از آن بکند. هیئت نمایندگان کارگران در ابتدا **انتقاد** را با **عمل** تدارک دید - اعتصاب سیاسی - و آنگاه یک وزیر دلچک اعلام داشت «فقط یک راه حل وجود دارد - احضار یک مجلس مؤسسان، که بر اساس آراء همگانی و مستقیماً انتخاب شده باشد.»

وزیر دلچک در اصطلاح بجای خود کارگران راه آهن «مانند یک بوروکرات کله خشک واقعی طبق معمول با طفره، و بدون آنکه تعهد مشخصی بکند، صحبت کرد.» او قول قوانین را در مورد آزادی مطبوعات داد، اما انتخابات عمومی را رد کرد، بر طبق گزارشات روزنامه‌های خارجی، او اعلام داشت که یک مجلس مؤسسان «در حال حاضر غیرممکن است.»

هیئت نمایندگی کارگران اعلام اعتصاب عمومی کرد. هیئت نمایندگی کارگران پس از ترک وزیر، به دانشگاه که در میتینگهای سیاسی که در آنجا برگزار می شد حدود ده هزار نفر شرکت می کردند رفت. طبقه کارگر به خوبی از سکویی که به وسیله دانشجویان انقلابی در اختیارش گذارده شده بود استفاده کرد. در ابتدا میتینگهای سیستماتیک توده‌ای سیاسی آزاد در روسیه در تمام شهرها، مدارس، کارخانه‌ها و در خیابانها برگزار شد، جواب داده شده به وسیله وزیر دلچک مورد بحث قرار گرفت، و نطق‌ها بر محور وظیفه برپا داشتن مبارزه مسلحانه، که احضار مجلس مؤسسان را «ممکن» و ضروری می ساخت قرار گرفت. مطبوعات بورژوازی خارجی، منجمله حتی لیبرال ترین روزنامه‌ها از شعارهای «فتنه انگیز و تروریستی» که سخنگویان در میتینگهای عمومی آزاد سر دادند وحشت زده هستند، گوئی که حکومت تزار با سیاست ستمگرانه خود، خود قیام را ضروری و اجتناب ناپذیر نکرده است.

قیام نزدیک می شود، قیام در بطن اعتصاب عمومی روسیه در برابر چشمان ما رشد می کند. انتصاب یک وزیر دلچک که به کارگران اطمینان می دهد «در حال حاضر» یک مجلس مؤسسان مورد قبول همه غیرممکن است، آشکارا رشد نیروهای انقلابی و نزول نیروهای حکومت تزاری را نشان می دهد. حکومت مطلقه دیگر به اندازه کافی توانائی ندارد که آشکارا علیه انقلاب بیرون بیاید. انقلاب **هنوز** به اندازه کافی قوی نیست که ضربه‌ای کاری و قطعی به دشمن وارد کند. این تغییر نیروها تقریباً متعادل است و ناگزیر موجب به وجود آمدن سردرگمی در بین مقامات می گردد، راه را برای گذار از سرکوب به دادن امتیازات و قوانین جهت آزادی مطبوعات و اجتماعات باز می کند.

پیش به سوی مبارزه‌ای جدید و باز هم پیگیرتر و گسترده تر. نباید به دشمن فرصت داد تا خود را جمع و جور کند! پرولتاریا تاکنون برای پیروزی انقلاب اعجاز کرده است. اعتصاب سرتاسری روسیه این پیروزی را بی نهایت نزدیک کرده است، و موجب دست و پا زدن دشمن در بستر مرگ خود گردیده است. به هر حال، ما محققاً بسیار دور از انجام دادن آنچه که برای

* board of burghers

پیروزی نهائی می توانستیم بکنیم و باید بکنیم هستیم. مبارزه نزدیک می شود، اما هنوز به اوج واقعی خود نرسیده است. در این لحظه طبقه کارگر بپا می خیزد، و در مقیاسی که تاکنون نظیر نداشته است به حرکت می آید و مسلح می شود. و سرانجام حکومت مطلقه منفور را از میان برخواهد داشت، تمام وزرای دلقک را دنبال کارشان خواهد فرستاد، حکومت موقت انقلابی خود را برپا خواهد داشت، و به تمام خلقهای روسیه نشان خواهد داد که چگونه «ممکن» و ضروری است که «در حال حاضر» مجلس مؤسسان واقعی و واقعاً مورد قبول عموم را فرا خواند.

نوشته شده در ژنو ۲۶ (۱۳) اکتبر ۱۹۰۵

تاریخ انتشار : ۳۱ (۱۸) اکتبر ۱۹۰۵

پرولتاری شماره ۲۳

کلیات آثار لنین، جلد ۹

تکثیر از:

کمونیستهای انقلابی

<http://www.k-en.com>

info@k-en.com